



## بیانات معظم له در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان - 27 دی / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم  
خدای متعال را سپاسگزارم که در آستانه ورود به «شهرالله الاکبر»، توفیق زیارت آقایان علما و فضلا و مبلغین محترم به این جانب دست داد و فرصتی پیش آمد تا در این زمینه بسیار مهم که بدون شک امروز یکی از برجسته ترین نقشها را در جامعه و زندگی ما دارد و باید داشته باشد، قدری صحبت کنیم.

تبلیغ دین مخصوص ماه رمضان نیست؛ لیکن ماه رمضان، ماه برکت و رحمت است و تبلیغ هم یکی از برکات الهی است و اگر کسانی بتوانند در این ماه، دین خدا و راه زندگی مردم را به شکل صحیحی تبلیغ کنند، یقیناً از برکات الهی محسوب خواهد شد. به همین خاطر، جای آن است که مسؤولان و دست اندرکاران امر تبلیغ در همه جا - بخصوص در حوزه های علمیّه - به این سنت پایدار جامعه شیعی، توجه ویژه ای کنند.

یک فرق اساسی بین تبلیغ در میان شیعیان و روحانیت شیعه و غیر آن وجود دارد و آن این است که تبلیغ دین به وسیله روحانیت، یک وظیفه مقرر دولتی و یک مأموریت رسمی و خشک نیست؛ بلکه در آن انگیزه های شخصی و از جمله انگیزه های معنوی و الهی و همچنین سلايق نقش دارد. این، از جهتی نقطه قوت است. در بقیه ادیان و مذاهب هم، تبلیغ وجود دارد و گاهی تبلیغ به شکلی است که ما باید در حرکت تکمیلی امر تبلیغ خود، از آنها فرابگیریم و کارمان را تکمیل کنیم.

در عین حال، جوهر کار در میان ما روحانیت شیعه، یک جوهر ویژه است. احساس تکلیف الهی، بیشتر موجب می شود که کسی اقدام به تبلیغ کند. نه این که انگیزه های مادی وجود ندارد، یا مثلاً وظیفه الهی با بعضی انگیزه های مادی برای مبلغ منافات دارد؛ این طور نیست. نفس این که یک نفر روحانی با اختیار خود به امر تبلیغ اقدام می کند و اگر اهل اخلاص و تقرب به خدا و توجه به منافع معنوی تبلیغ باشد، جلو او میدان کار باز می شود، مهم است. این فرصت قابل توجهی است که در اختیار ماست.

به هر حال، این یک سنت هزار ساله است و اگر دوران قبل از هزار سالی که حوزه های علمیّه و جامعه روحانیت شیعه تشکیل شده است، مورد مطالعه قرار گیرد، در آن زمان هم ما در میان برجستگان و زیدگان علمی شیعه، تبلیغ را مشاهده می کنیم؛ لیکن آنچه که روشن و مدوّن است و می توانیم با نام و نشان از آن یاد کنیم؛ همین مدتی است که حوزه های علمیّه به وجود آمد. در زمان سید مرتضی (رضوان الله علیه) و شیخ طوسی (رحمة الله تعالی) فقها و علمای بزرگی از حوزه بغداد و سپس حوزه نجف آن روز، به مناطق مختلف اسلامی اعزام می شدند و برای تبلیغ و بیان احکام، در آن جاها سکونت می کردند. بزرگانی که در منطقه حلب و شامات ساکن بودند و در سطح عالی علمی قرار داشتند و از مجتهدین بزرگ محسوب می شدند و آثار علمی آنها تا امروز مورد استفاده است، در حقیقت از برکات اعزامهای همین بزرگانند که مبلغین را از نجف و بغداد به آن دیار اعزام کردند.

البته در این مدت، شیعه و علمای آنها دوران مختلفی را طی کردند و دوران تقیه های سخت و شدت عملهای فراوان از طرف حکام جائز زمان را پشت سر گذاشتند. یک وقتی بوده است که اگر دعوات و مبلغین شیعه را در جامعه آن روز و در بسیاری از شهرهای همین کشور فعلی ما پیدا می کردند، برای آنها سخت ترین مجازات را در نظر می گرفتند؛ لیکن تبلیغ متوقف نشد. اگر برادران عزیز مقداری به تاریخ مراجعه کنند، برای فهمیدن موقعیت فعلی بسیار لازم است و کمک می کند که بفهمیم امروز مبلغین اسلام در کجا قرار گرفته اند و در چه موقعیتی هستند. سخت ترین مجازاتها برای مبلغین - بخصوص مبلغین مهاجر که برای تبلیغ و بیان احکام و فقه جعفری و حقایق قرآن به



شهرهای مختلف می رفتند - بود. آنها با چه تقیه هایی زندگی می کردند و چه فشارهایی بر آنها وارد می شد؛ لیکن رشته ی تبلیغ متوقف نماند و منقطع نشد.

این را از آن جهت می خواهم بگویم که امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند و نیز فضایی حوزه ها و علمای شهرستانها توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی تبلیغ است و علم دین برای تبلیغ است. درست است که تربیت عالم و مبلغ، به بزرگان و متخصصینی احتیاج دارد که در نقطه ای بنشینند و شاگردان و فضلا و طلاب از آنها استفاده کنند و توقعی نیست که آنها با طبقات مختلف مردم مواجه شوند. کار آنها در واقع تربیت مبلغ و عالم و متخصص است - این در جای خود درست و قابل قبول است - لیکن وقتی انسان با نگاه کلی به علمای دین نگاه می کند، آن عده متخصص پرور، عده کمی خواهند بود.

اساس کار در بین علمای شیعه، عبارت از تبلیغ و رساندن حقایق دین است. البته این کار، سطوح مختلفی دارد: یک سطح، سطح عامه مردم است. سطح دیگر مربوط به کسانی است که تا حدودی از معرفت و آگاهی برخوردارند. یک سطح هم مربوط به زیدگان جامعه است؛ افرادی که اگر چه در علم دین آگاهی و معرفتی ندارند؛ ولی در رشته های علوم دیگر یا فنون مختلف زندگی، اشخاص برجسته ای محسوب می شوند و داری ذهن وقاد و هوش سرشار و تجربه و آگاهی و معرفتند. اینها هم جزو مخاطبین مبلغین دین به شمار می آیند. اینها هم احتیاج دارند که برایشان دین بیان شود. پس در یک نگاه کلی، مبلغ دین با قشرهای مختلفی مواجه است و فقط با طبقه عامی محض رو به رو نیست؛ بلکه با افرادی که تا حدود زیادی از معرفت و علم و دانش و تجربه برخوردار هستند نیز مواجه می شود. این مطلب قابل توجهی است که اساس و ملاک تصمیم گیری می شود.

نکته دوم این است که مبلغ دین، عالم انتخاب شده است و تبلیغ دین جزو وظایف علمای دین است. آیا می شد بگوییم که افراد غیر عالم، تبلیغ دین را انجام دهند؟ نه. تبلیغ دین وظیفه عالم است. کسانی که می خواهند تبلیغ دین کنند، باید از علم دین - در حدی که مورد نیاز آنهاست - برخوردار باشند. معنای این حرف، این است که مبلغ دین باید در هر سطحی که مخاطبین خود را مشاهده می کند، برای بالا بردن آنها از آن سطح، همت بگمارد و باقی ماندن مخاطبین خود را در یک نقطه، تحمّل نکند. اساس کار تبلیغ، بر پیش بردن مخاطب است. باید آنها را آگاه کرد و ترقی و رشد فکری داد و در جهت آگاهی دینی و تقرب به پروردگار و کمالات نفسانی پیش برد؛ مثل شاگردی که انسان او را روز به روز تربیت می کند و پیش می برد.

نکته سوم هم مطلبی است که بارها گفته شده است و بزرگان گفته اند و امام (رضوان الله علیه) نیز مکرر بر آن تکیه کرده اند. همه، این مطلب را گفته ایم و خود من هم بیش از همه به فهم این مطلب محتاجم. مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این که مشاهده می کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می دهند و اجابت می کنند و جمع می شوند و عمل می کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زی، به خاطر عمل اخیار و نیکنانی که قبل از ما بوده اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه ارزشمندی محسوب می شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می دهند و عملاً برای مردم ثابت می کنند، کار هدایت آنها را آسان می سازند.

مردم، راه خدا را پیدا می کنند. این، برای کسی که بتواند مردم را به راه خدا بکشاند، چقدر اجر و ثواب دارد! این، متوقف به عمل و صدق در گفتار است. در تأثیر خارجی کارها نیز همین طور است. انسان اگر صادق باشد، حرف و کار و راه او، در عالم واقع و خارج برکت پیدا می کند. صدق یک ملت و یک امت، می تواند آنها را در میدانهای گوناگون پیروز کند. امام بزرگوار ما در راه خود صادق بودند که توانستند ایمان مردم را جلب کنند و مردم نیز صادق



بودند که توانستند نهضت را به این جا برسانند، و الا اگر آن صدق و صفا و ایمان نمی بود، این نهضت محکوم به شکست می شد. امیرالمؤمنین علیه الصلوة و السلام فرمود: «فلما رأی الله صدقنا انزل بعدوتنا الکتب و انزل علینا التصر...».

در صدر اسلام نیز این طور بوده است. صدق لازم است. صدق یعنی این که گفتار انسان به وسیله عمل و کردارش تأیید شود. اگر ما مردم را به بی رغبتی به زخارف دنیا دعوت می کنیم، باید این معنا در عمل خود ما هم دیده شود. اگر ما مردم را به تلاش بی مزد و منت - در آن جایی که نظام احتیاج دارد - دعوت می کنیم، خود ما هم آن جایی که احساس می کنیم نظام و کشور اسلامی به تلاش ما نیازمند است، بدون دغدغه آن نیاز را برطرف کنیم و منتی بر کسی نگذاریم. اینها مواردی است که تبلیغ را مؤثر می کند.

یک نکته دیگر هم در باب تبلیغ مطرح می کنم که قبلاً آن را به فضلا و زبندگان قم نیز عرض کرده ام. عزیزان من! امروز دوران حاکمیت اسلام است و اگر یک جای کارمان لنگ باشد، هیچ عذری از ما پذیرفته نیست. در زمان طاغوت و حاکمیت کفر، می گفتیم وسایل و ابزار در اختیار ما نیست؛ ولی امروز علمای دین و روحانیون، نمی توانند این حرف را بزنند. امروز، اگر جامعه علمی و دینی - یعنی همین جامعه روحانیت و علمای دین - به آنچه که نیاز زمان و کشور و جامعه و جهان اسلام است، کما هو حقّه عمل نکنند، عذری پیش خدای متعال و تاریخ ندارند. در ذهن آیندگان، سؤال جدی خواهد بود. به همین خاطر به این چیزها باید توجه کنیم و اقدام لازم را انجام دهیم. البته، شاید هر فردی از افراد، قادر بر اقدام نباشد؛ اما وقتی مجموعه و همه آحاد بخواهند، می شود اقدام کرد و ممکن نیست انجام نگیرد. عمده این است که همه بخواهند این طور شود.

آن نکته ای که در قم مطرح کردم و امروز به شما هم عرض می کنم، این است که تبلیغ یک فن است و به تعلیم و فراگیری احتیاج دارد. همچنین نیاز دارد که نو به نو و روز به روز، ضرورتها و لوازم آن به مبلّغین ارائه شود. اینها چیزهایی است که لازم است. جامعه تبلیغی باید بتواند کار خود را درست انجام دهد. باید فن تبلیغ را آموخت. باید کسانی این فن را یاد بگیرند و تعلیم دهند و تکمیل کنند. علاوه بر این - همان طور که عرض شد - نیازهای روز به روز تبلیغ و مبلّغ، باید در اختیار آنها قرار گیرد.

ما امروز چه چیزی را به مردم بگوییم؟ در کجا چه مطلبی دارای اولویّت است؟ بعضی از مسائل دینی، عمومی است و باید در سطح عموم به همه گفته شود؛ مثل اخلاقیات و معارف دینی و سیاسی که همه به آن احتیاج دارند؛ یا مسائل مربوط به نظام و یا مسائل موسمی مانند انتخابات که هر جا مبلّغ می رود، باید مردم را به اهمیت انتخابات آشنا کند و تفهیم نماید که این یک وظیفه و ضرورت است. اینها متعلق به همه جای کشور است و مخصوص قشر و محلّ معینی نیست؛ لیکن بعضی از موضوعات متعلق به بعضی از جاهاست؛ مثلاً در محیط روشنفکران و جوانان و دانشجویان، چیزهایی مورد نیاز است که شاید در جای دیگر مورد نیاز نباشد و باید کسی باشد که آنها را بیان کند. بنابراین اولاً، مرکزی برای آموزش تبلیغ لازم و واجب است. خود حوزه باید این کار را بکند و دیگران نه می توانند و نه بعضی جاها امین هستند. این کار، کار حوزه است و باید در خود قم و یا در شهر دیگری راه اندازی شود. ثانیاً، موضوعات عمومی برای همه جا تدوین شود و جمعی از فضلا و بزرگان و علما و افراد برجسته و صاحب نظر بنشینند و موضوعات مهم را تعیین و تدوین کنند - نه این که هر کسی بیاید کتابی فراهم کند - تا هر مبلّغی حداقل بداند آنچه که باید در اختیار مخاطبین بگذارد، چه چیزهایی است.

بعضی از معارف، قدیمی - نه منسوخ - است. حرفهایی بود که اگر سی سال قبل برای جوامع ویژه متدین گفته می شد، حرفهای تازه ای بود؛ ولی امروز این حرفها دیگر تازه نیست. همه می دانند باید حرفهای مهم و جدید را جستجو و بیان کرد. البته تکرار آنچه که مخاطبین می دانند، در مواردی لازم است؛ زیرا چیزهایی وجود دارد که باید تکرار شود، ولی چیزهایی هم هست که تکرارش مُملّ است. پس باید مجموعه هایی باشد که سطح لازم برای معارف را



به مبلغ نشان دهد. شما ببینید مثلاً کتاب تعلیمات دینی که در مدارس و دانشگاهها تدریس می شود، چه مفاهیمی را بیان می کند؟ مبلغ دین، آن جایی که با چنان مخاطبی مواجه است، سطح مطلب دینیش نباید از آن پایینتر باشد؛ بلکه باید از آن راقیتر و برجسته تر باشد تا بتواند او را هدایت کند و پیش ببرد.

نیاز دیگر، نشریه برای تبلیغ است. این نشریه باید به وسیله افراد صاحب نظر و از روی احساس مسؤلیت و معرفت و دانش - نه به عنوان از سر باز کردن - منتشر شود. حالا محلّ این طور بحثها، این جا هم نیست؛ باید جلساتی مخصوص این گونه بحثها تشکیل شود تا ببینیم چه لازم است و چه لازم نیست. عزیزان من! اگر این کارها شد، حقیقت درخشنده ای که در اختیار شماست به طور طبیعی حداقل فضای جهان اسلام را روشن خواهد کرد. دشمن هم هیچ کار نمی تواند بکند. وقتی خلأ نبود و پاسخ فکری به طور مناسب داده شد و معضلات ذهن مخاطبین به شکل حکیمانه ای حل گردید و گره ها باز شد، دشمن چه کار می تواند بکند؟ تبلیغ دشمن چه تأثیری می تواند ببخشد؟ حرف درست این جاست. وقتی خلأ بود، دشمن همه کار می تواند بکند و در خانه ما هم می تواند نفوذ کند و جوانان ما را ببرد و بعد ما باید بدویم تا به او برسیم. نباید بگذارید چنین وضعی پیش آید.

بنابراین، غیر از مطالبی که به طور معمول همیشه در این مجامع گفته می شود؛ من مصرّم که جامعه تبلیغی ما باید به تبلیغ به صورت یک کار اصلی و حقیقی و لازمه قطعی علم دین نگاه کند. جامعه علمی دینی - یعنی روحانیت - اولین وظیفه اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم مخصوص عدّه ای خاص از روحانیون نیست. شرایط و لوازم و نیازها و تلاشهایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همّت به کمر بزنند و آستینها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند. امروز نظام اسلامی، پشتیبان این گونه حرکتهاست. علمای محترم دین، ائمّه محترم جماعات و آبرومندان محترم در هر جا که هستند، از این گونه حرکت حمایت کنند و آن را تأیید نمایند.

ان شاءالله خدای متعال کمک خواهد کرد و مورد توجه و عنایت ویژه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه قرار خواهد گرفت. امیدواریم خدای متعال شما را محفوظ بدارد و تأیید کند و توفیق دهد که وظیفه مهمّ تبلیغ را به بهترین وجهی - قولاً و عملاً - انجام دهید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته